

محورهای همایش

کلیات: مبانی نظری، تعاریف، انواع، ضرورت ها و فواید مطالعات میان رشته ای
تبیین علمی حوزه کتابداری و اطلاع رسانی: مرزهای واقعی و مجازی
مطالعات میان رشته ای در نظام آموزشی کتابداری و اطلاع رسانی
جایگاه مطالعات میان رشته ای در پژوهش های کتابداری و اطلاع رسانی
نقش مطالعات میان رشته ای در تولیدات علمی کتابداری و اطلاع رسانی
مطالعات میان رشته ای: تفکر خلاق و تفکر انتقادی
مفاهیم استعاری، مانع یا عامل ترویج مطالعات میان رشته ای
کتابخانه ها و خدمات نوین کتابخانه ای و حمایت از فعالیت های میان رشته ای
تعامل میان رشته ای کتابداران، اطلاع رسانی و آرشیویست ها با متخصصان سایر رشته ها
چالش ها و موانع فعالیت های میان رشته ای در مطالعات کتابداری و اطلاع رسانی و چشم
انداز آتی

دبیر همایش: محمدجواد اشتری

کمیته علمی

دکتر نرگس نشاط (دبیر علمی)

دکتر عباس حری

دکتر زهیر حیاتی

دکتر هاجر ستوده

دکتر نورالله مرادی

دکتر مرتضی کوكبی

داوران همایش

دکتر فریبرز خسروی

دکتر ابراهیم افشار زنجانی

دکتر نجلا حریری

دکتر حمیدرضا جمالی مهمویی

دکتر یزدان منصوریان

دکتر لیلا مکتبی فر

دبیر اجرایی: الهام فلاح زاده

کمیته امور مالی: سارا سوری، فاطمه اکتفایی

کمیته روابط عمومی: زهرا صید محمدی، یلدا استدلال

کمیته انتشارات: شبنم رفوا، زهرا شاملو، حدیث حجری

کمیته پذیرش: رضا عجم، سوسن ده بزرگی

کمیته اطلاع رسانی مقالات: نگین نیکومنظری، زهرا شاملو

همکاران همایش

پریسا پاسیار، امیر رضا اصنافی، امیرحسین رجب زاده عصارها، لیلا زارع، زهرا آزادی، حسین

افتخاری، مریم پاکدامن نائینی، فرحناز سلطانی، سارا سلیم پور، آتوسا آبیاری، مینا رضانی،

ملیحه عربخانی، بنفشه به نیک، زهره احمدی فر، نیما غلامی، محدثه دخت عصمتی

پیشگفتار

زندگی حرفه ای که غالباً آن را به مثابه فعالیتی والا، تخصصی، منظم، و قالب دار توصیف می کنند همچون متنی است که با توجه به تخصصی و فنی بودنش، "فضایی خالی" در فاصله میان دیگر فعالیت ها باقی می گذارد که با زندگی روزمره پر می شود و زندگی روزمره نیز خود عمیقاً تحت تاثیر فضاها، شرایط، و موقعیت های پیچیده و رمزآلودی است که در عصر ارتباطات، جوامع دانایی محور، و دنیاهای مجازی حاکم است. فضایی که آنها را با همه تفاوت ها و تعارض هایشان در بر می گیرد و محل تلاقی، پیوند، و فصل مشترک میان آنهاست. به این ترتیب، مطالعه فضای اجتماعی زیست انسان یک کار میان رشته ای است؛ نه صرفاً از آن رو که موضوعاتی را در بر می گیرد که رشته های موجود از قلم انداخته اند، بلکه بدان سبب که همچون چسبی تئوریک عمل می کند و نشان می دهد که این نظام های فکری، در نهایت به همدیگر مرتبط اند، حتی زمانی که سعی دارند این ارتباط را انکار کنند.

اصطلاح رشته (دیسپلین) غالباً دو کاربرد عمده دارد: یکی اینکه معطوف به شاخه ای از یادگیری یا مجموعه ای از دانش است، و دوم به حفظ نظم و کنترل در میان گروه های تحت امر همچون سربازها، زندانی ها، یا شاگردان مدرسه اشاره دارد. این دو کاربرد در گونه ای از کاربردهای قدیمی تر این اصطلاح، از نیمه نخست سده پانزدهم به بعد در یکدیگر ادغام شد. در این سیاق، عبارت "رشته" بر نوع ویژه ای از آموزش اخلاقی دلالت داشت که هدف آن اجرای صحیح آموزش نظم و خویشن داری بود. این مفهوم برگرفته از واژه لاتینی دیسپلینا¹ است که به تعلیم شاگردان به دست بزرگ ترانشان اشاره دارد و لزوماً به دانش تخصصی و ارزشمندی توجه می کند که برخی افراد دارای آن هستند و دیگران نیستند. این اصطلاح از

1 . Disciplina

دیرباز در مسائل مربوط به ارتباط میان دانش و قدرت نیز به کار گرفته می شد. هنگامی که از واژه میان رشته ای استفاده می کنیم معمولاً به نوعی از آگاهی انتقادی از این ارتباط نظر داریم. انتقاد از آن جهت که مرزبندی های رشته ای در دانشگاه و بسط و گسترش آن در حوزه های علمی و معرفتی می تواند آسیب های جدی بر آموزش عالی، جامعه و میزان و نوع تقاضای اجتماعی برای بروندهای آموزش عالی را در پی داشته باشد؛ و سبب گسترش بی حد و حصر "تخصص گرایی"، "مدرک گرایی"، و منحرف شدن اهداف عالی نظام آموزش عالی و نهاد دانشگاه گردد. در چنین وضعیتی، موضوع رشته به خودی خود به عنوان یک شیء محسوب خواهد شد و ارتباطات و همبستگی هایی که این موضوع با موضوع مورد بحث سایر رشته ها دارد حذف می شود، همچنان که ارتباطات و همبستگی هایش با جهان نیز، که بخشی از آن محسوب می شود، از بین خواهد رفت.

برخی صاحب نظران مسئولیت این مرزبندی های رشته ای را متوجه اندیشمندانی دانسته اند که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برای قلمرو تخصصی خود تقدس قائل بودند و آن را برتر و بالاتر از هر نوع دیگری می دانستند. دانشمند فرانسوی، «لوئیس فبور»^۱ در ۱۹۴۹، مسئولیت این مرزبندی ها را متوجه کسانی کرد که اعلام کردند: "پایتان را اینجا نگذارید، اینجا قلمرو جامعه شناسان است، آنجا هم نگذارید، زیرا که قلمرو روان شناسان است؛ فکر سمت راست را هم اصلاً نکنید که متعلق به جغرافی دانان است، و سمت چپ را هم همین طور، که متعلق به قوم شناسان است"، و افزود: "اینها کابوس است، مرزها و برچسب ها را بردارید. مورخان باید هم لب این مرزها، روی مرزها، این طرف و آن طرف مرزها کار کنند" وی در سال ۱۹۴۱ در کنفرانسی برای مورخان دستورالعمل صادر کرد و گفت: "ای مورخان، باید هم جغرافی دان باشید، هم حقوق دان، هم جامعه شناس، و هم روان شناس".

بدین ترتیب، در عصری که تخصص گرایی گفتمان حاکم بر نهاد دانش و دانشگاه بود رویکردها و چشم اندازهای میان رشته ای^۲ به تدریج وارد صحنه شدند. رابرتا فرانک^۳ معتقد است ایتر دیسیپلیناری ترکیبی برگرفته از دیسیپلین (رشته) بی روح و خشک و پیشوند ایتر (میان / بین) که موین^۴ و دوستانه است؛ با این باور که دانش امری صمیمانه، بهبود بخش

-
1. Lucien Febvre
 2. inter disciplinary
 3. Roberta Frank
 4. Narrow

طرفین و رایزنانه است. بدین اعتبار، میان رشتگی جایگزینی پویا و متعامل برای ماهیت قدیم و درون نگر رشته ها تلقی می گردد.

برخی منتقدان بر آنند که ایتر دیسپلیناری اصطلاحی دو پهلو و لغزنده است. بدین معنا که هم می تواند دلالت بر ایجاد رابطه میان رشته های گوناگون کند و هم می تواند به معنای ایجاد نوعی فضای فاقد نظم در شکاف میان رشته ها یا حتی مبادرت به فرارفتن از کل مرزهای رشته ای نیز باشد. به طوری که این ابهام سبب گردیده است که برخی منتقدان اصطلاحات دیگری چون پسا رشته ای^۱، چند رشته ای^۲، و فرارشته ای^۳ را مطرح نمایند. بدین دلیل، شاید سودمند باشد که بین دو واژه میان رشته ای و چندرشته ای که اغلب مترادف یکدیگر به کار می روند تمایز قائل شویم.

اصطلاح چند رشته ای معمولاً اشاره به کنار هم قرار گرفتن دو رشته یا بیشتر دارد. چنانچه می توان آن را در برخی از مدارک تحصیلی مشترک یا دوره هایی منفرد مشاهده کرد که توسط اعضای کادر آموزشی رشته های مختلف به طور اشتراکی آموزش داده می شود. در این مورد، رابطه میان رشته ها صرفاً یک ارتباط مبتنی بر مجاورت است و هیچ گونه تلفیقی میان آنها وجود ندارد. حال آنکه، میان رشته ای بودن، به معنی جمع آوری و التقاط داده های مختلف با یکدیگر و یا آمیزش چشم اندازهای رشته های مختلف به منظور دستیابی به یک تلفیق سطحی عامه پسند نیست، بلکه کاربرد و آزمودن چنین تلفیقی در ارتباط با پدیده ها، مسائل و موضوعات مشخص و واقعی است. شیوه ای از زندگی نکته سنجانه و آگاهانه با رشته ها، با این درک که همواره می توان اساسی ترین مفروضات هر رشته را مورد چالش قرار داد، یا با بهره گیری از طرز فکرهای جدید از جاهای دیگر به آنها نیرویی دوباره بخشید. به قول رولان بارت، میان رشتگی^۴ توان بالقوه ای به مراتب بیش از آن دارد که صرفاً رشته های گوناگون را جمع آورد، بلکه می تواند بخشی از نقد کلی تخصصی شدن زمینه های دانشگاهی باشد و ماهیت دیسپلین را به مثابه موسسه / نهادی که ارتباط خود را، در قالب قلمروهای تخصصی کوچک و بسته، با جهان خارج قطع می کند شکل دهد. مطالعه میان رشته ای بالاتر از همه، بومیت زدایی دانش است: این بدان معناست که افرادی که در محدوده طرز فکرهای تثبیت

-
1. Post disciplinary
 2. Multi disciplinary
 3. Trans disciplinary
 4. interdisciplinarity

شده کار می کنند باید همواره از محدودیت های فکری و نهادی موجود در آن محدوده آگاه باشند و باب شیوه های گوناگون ساختار و بازآرایی دانش جهان را به روی خود گشوده دارند. یکی از هدف های عمده اندیشه میان رشته ای تقویت تفکر نقاد و به زیر سوال بردن تفسیرهایی از مسائل پیرامون رشته ای است که معمولاً بدیهی پنداشته می شوند. به طور مثال، برخی برآنند که اهمیت زبان ثانوی است. زبان، پدیده ها را با بی طرفی توصیف می کند؛ ما در مقام افرادی مستقل و آزاد می توانیم از زبان به مثابه شیوه و ابزاری برای بیان مقصود خودمان و نیز برقرار کردن ارتباط با دیگران و جهان استفاده کنیم. این باور به اکثر مردم اجازه می دهد صبح از خواب برخیزند و زندگی روزمره شان را بدون اینکه دائماً از چپستی هویت افراد یا واقعیت بیرونی پرس و جو کنند سپری سازند. در نظام آموزشی و دانشگاه ها نیز رشته ها شکل مشابهی از این گونه برداشت هستند که به ما این امکان را می دهند که کاری را که در دست گرفته ایم بدون اینکه پیوسته درباره مقصود، حدود، و ارزش نهایی اش به حدس و گمان متوسل شویم به انجام برسانیم. چنین نظامی ما را قادر می سازد که موضوعات پژوهشی تحت کنترلی را پیدا کنیم، برای مطالعات خود حد و مرز قائل شویم، و یافته هامان را به جامعه ای که چارچوب فکری کارمان را می فهمد عرضه کنیم. بدیهی است که هر رشته یک ساختار اجتماعی، یعنی شبکه ای از عناصر مختلف است که به واسطه معادلی مفهومی همچون تارهای یک تور سیمی به هم چسبیده اند. همه موضوع ها و پدیده ها بستگی جدایی ناپذیری با زبان و گفتمان دارند بدین لحاظ می توان تصور کرد که رشته ها ساختارهایی بیانی هستند که تنها به واسطه ارتباط افتراقی خود با دیگر رشته ها هویتی گسسته می یابند. بدیهی است که هر موضوعی مانند هر موجودی در فضایی چند بعدی زیست می کند و بارور می شود. خارج کردن آن از این فضا آن را از موجودیت و هویت و حیات می اندازد. با جدا شدن رشته ای از سایر رشته های نزدیک و تنها ماندن آن به تعصب رشته ای و در نهایت به تملک رشته ای خواهد انجامید. بنابراین، یک فضای میان رشته ای ثمر بخش را شاید بتوان با بررسی شیوه هایی ایجاد کرد که در آنها اندیشه های علمی از حوزه جستار تخصصی فراتر می روند و جزیی از یک فرهنگ را شکل می بخشد؛ لازمه چنین فضایی تغییر در بینش علمی، برقراری ارتباط بین رشته ها، و تاثیر پذیری و تاثیرگذاری آنهاست. تفکر درباره علم، تنها در درون رشته انجام نمی گیرد. رشته جای تربیت چند وجهی پژوهشگر هم شده است، جای تمرین های روش شناختی منظم و تعمیق مسائل و آزادی های فکری هم هست. ماهیت علم آزادگی است. رسالت عالم عبور از مرزهاست، تبدیل زندان های بسته رشته ها به بوستان های فراخ رشته

هاست. علمی که اکنون تکامل سریع دارند علمی هستند که با سایر علوم پیوند یافته اند. مسلماً این امر تصادفی نیست و به این واقعیت مربوط است که چون علوم تقسیم بندی شده است، هر دانشمندی طبعاً می‌کوشد منطقیه مربوط به خود را بررسی کند و در فاصله میان این مناطق یا آن سوی مرزها نیز مقداری زمین‌های بکر و دست نخورده وجود دارد و در این حیطه هاست که پیشرفت‌های علمی سریع حاصل می‌شود. "اشتباه بزرگی خواهد بود اگر به بهانه مشکل بودن، این مناطق حاصلخیز را نادیده بگیریم".

اما از کجا آغاز کنیم؟ برای میان رشته‌ای بودن ابتدا باید رشته‌ای بود. یاد آوری این نکته به ما گوشزد می‌کند که هیچ نظام فکری نمی‌تواند از این که باید از درجه‌ای از نظم رشته‌ای برخوردار باشد شانه خالی کند. هر علمی در حقیقت مستلزم یک بدنه نظری است، به نحوی که موضوع‌های خاصی را به صورتی ویژه می‌سازد و ابعاد مناسب و خاصی را مشخص و روابط میان ابعاد آن را برقرار و گاه اندازه‌گیری می‌کند. می‌توان گفت که در شرایط کنونی در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، هم داشتن روح تخصصی لازم است و هم وسعت نظر و پذیرش ارزش علوم دیگری که با نحوی با علم مورد نظر در ارتباط نسبتاً دائم هستند. میان رشتگی با مهارت ورزی؛ مهارت آموزی؛ و تخصصی شدن در تعارض نیست، بلکه با جهت‌گیری‌های روش‌شناختی آن که شناخت را قطعه قطعه و تجزیه شده نشان می‌دهد در تعارض است. امروزه اگر دانشجویی بخواهد از زنجیره دوره‌های درسی موجود در علوم انسانی و علوم اجتماعی نمونه برداری کند، احتمالاً از مقدار همپوشانی آنها، تکرار نظریه‌ها، چارچوب‌های مفهومی، اصطلاح‌ها و متن‌ها شگفت زده خواهد شد. به گونه‌ای که گفته‌اند ما در عصری پر از "ژانرهای نامشخص، تلبار شدن انواع گفتار و خطابه" زندگی می‌کنیم که در آن نامگذاری تمایزهای رشته‌ای هر لحظه دشوارتر می‌گردد. بدین لحاظ، تنها از طریق فعالیت در حوزه اطلاع‌رسانی نمی‌توان به شناختی جامع از این رشته دست یافت. برای پاسخ دادن به مسائل اساسی که حوزه اطلاعات و اطلاع‌رسانی با آن مواجه است دانستن آن علم لازم است ولی کافی نیست؛ در مقایسه، بنیان مستحکمی از علم اطلاعات که ریشه در سنت‌های پژوهشی گسترده‌ای دارد برای هر فعال در حوزه اطلاعات و اطلاع‌رسانی امکان دسترسی به نتایج جمعی بسیاری از اذهان دیگر و تجربه کلی یک رشته کلی‌تر را فراهم می‌سازد. اگر چه دانش اطلاعات و اطلاع‌رسانی تا اندازه‌ای با عمل اطلاع‌رسانی گسترش می‌یابد، اما این نه عمل، که تحقیق روشمند و نظام‌مند در خصوص اطلاعات - و دیگر

موضوعات وابسته - است که پژوهش اطلاع رسانی را تشکیل می دهد ؛ عناصر علم اطلاعات نشأت گرفته از عناصر مختلفی است که عمل اطلاع رسانی یکی از این منابع است. بنابراین، از دانشجویانی که در این رشته فارغ التحصیل می شوند انتظار می رود دانش و آگاهی های خود را نسبت به رشته های مرتبط غنی سازند و بر دامنه و مجموعه متنوعی از نظریه ها و تجارب معرفتی و روشی استوار باشند تا بتوانند با دیدی انتقادی شرایط موجود را با دانش های در حال رشد تطبیق دهند.

آنچه در مجموعه حاضر گرد آمده مقالات سومین همایش سراسری اتحادیه انجمن های دانشجویی کتابداری و اطلاع رسانی ایران (ادکا) با همکاری انجمن علمی دانشجویی دانشگاه شیراز است . بدیهی است مجموعه پیش رو، حاصل تلاش های دانشجویی و بازتاب اندیشه جوانان این رشته پیرامون مباحث و مطالعات میان رشته ای در کتابداری و اطلاع رسانی است. امید است در آینده ای نه چندان دور شاهد مقالات سررشته داران این حوزه از علم باشیم .

دکتر نرگس نشاط

دبیر علمی همایش

سخن دیر همایش

تجزیه دانش به حوزه‌های مختلف از دو تمایل نشأت می‌گیرد؛ نخست، تمایل ناشی از میل ناخودآگاه انسان برای جداسازی، طبقه‌بندی و شناخت عناصر محیط و دوم، تمایل روانشناختی دانشمندان که برخاسته از گرایش آنان به یافتن احاطه فکری بر حوزه تحقیقاتی خود جهت قاعده‌بندی بهتر مسائل و پیشرفت بیشتر است.^۱ اگرچه علم و فن‌آوری در دوران معاصر بیش از پیش رشد کرده، اما نیازمندی جامعه‌بشری نیز همپای آن افزایش یافته‌است. برآوردن این نیازها مستلزم دانش جدید و داشتن آموزش و پژوهش پویاست. از سوی دیگر، روند پژوهش در عصر حاضر به گونه‌ای است که هیچ رشته‌ای قادر نیست راه‌حل مسائل خاص خود را تنها در درون مرزهای خویش جست‌وجو کند و حوزه‌های علمی‌ناگزیر از یافته‌های یکدیگر بهره‌مند می‌شوند.^۲ کتابداری و اطلاع‌رسانی رشته‌ای است که از اصول‌نظری و دانش فنی مناسب جهت خدمت به نیازهای اجتماعی برخوردار است. روابط بین‌رشته‌ای عبارت از تعامل دو یا چند رشته مختلف است که می‌تواند از تبادل ساده عقاید تا درهم‌تنیده‌شدن دو جانبه مفاهیم، روش‌ها، واژه‌ها، داده‌ها و معرفت‌شناسی آن رشته‌ها را در برگیرد.^۳ در واقع بین‌رشته‌ای‌های امروز رشته‌های فردا هستند.^۴ در دنیای امروز که تخصص‌گرایی دیگر چاره ساز معضلات و نیازهای جامعه بشری نیست. همکاری‌های ما بین متخصصین علوم مختلف می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات جامعه بشری در همه حوزه‌های علمی، انسانی و اجتماعی باشد. کتابداری و اطلاع‌رسانی نه تنها خود یک حوزه بین رشته‌ای است بلکه وظیفه‌ای مهم و رسالتی خطیر در انتقال مفاهیم علوم گوناگون به یکدیگر و کاربرد آنها در جامعه علمی امروز

1. Boiset, Marcel (1972). "Discipline and interdisciplinarity". in Seminar on interdisciplinarity in universities. Universite de Nice. France

۲. حری، عباس (۱۳۷۳). "یادداشت‌سردبیر". فصلنامه کتاب. شماره ۳ و ۴ (پاییز و زمستان)، ص ۵-۷

۳. جمالی مهمویی، حمیدرضا (۱۳۷۹). روابط درون رشته‌ای و بین رشته‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی: مطالعه

استنادی. شماره ۴۳. ص. ۶۲-۷۰.

4. Gass, James (1972). "preface". On Seminar on interdisciplinarity (op cit)

دارد تا رابطه ای هدفمند و روشمند میان دانش، مفاهیم و مهارت ها در رشته های مختلف برای حل مسائل برقرار شود. بدین منظور سومین همایش سراسری اتحادیه انجمن های علمی دانشجویی کتابداری و اطلاع رسانی ایران (ادکا) به موضوع «مطالعات میان رشته ای کتابداری و اطلاع رسانی: وضعیت موجود، چشم انداز مطلوب» پرداخته است.

اندیشه برگزاری این همایش در اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ شکل گرفت و مطالعات اولیه درباره آن تا خرداد ماه ادامه یافت. در تیرماه ۱۳۸۸ کمیته علمی تشکیل و سرکار خانم دکتر نشاط به عنوان دبیر علمی همایش انتخاب شدند. از آنجا که یکی از مهم ترین اهداف ادکا پوشش گستره دانشجویان کتابداری و اطلاع رسانی کل کشور است، تصمیم بر آن شد که برخلاف دو همایش گذشته که در تهران برگزار شده بود، همایش سوم با همکاری یکی از فعال ترین انجمن های علمی دانشجویی در شهری دیگر برگزار شود. هرچند این کار دشوار به نظر می رسید اما انتخاب انجمن علمی دانشجویی کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه شیراز که در جشنواره برترین های کتابداری و اطلاع رسانی نیز به عنوان یکی از برترین انجمن های علمی دانشجویی انتخاب شده بود، راه را هموار کرد. تعامل با دوستان پر تلاشمان در آن انجمن از مرداد ماه ۱۳۸۸ آغاز شد. پس از تدوین محورها توسط کمیته علمی، اطلاع رسانی همایش از شهریور ۱۳۸۸ آغاز شد. فرایند ارسال چکیده مقالات تا ۲۰ آبان ماه ۱۳۸۸ به طول انجامید. داوری چکیده مقالات رسیده به دبیرخانه همایش تا ۱۵ آذر به اتمام رسید و چکیده مقالات مورد پذیرش کمیته علمی همایش اعلام شدند. تا ۳۰ بهمن ماه ۱۳۸۸ فرآیند دریافت متن کامل مقالات به دبیرخانه همایش ادامه یافت و سرانجام در ۲۵ اسفند ۱۳۸۸ نتیجه نهایی داوری ها اعلام شد.

آنچه در روزهای پنجم و ششم خرداد ماه ۱۳۸۹ ارائه می شود، حاصل کار گروهی مداوم و بلند مدت استادان، دانشجویان و پژوهشگرانی است که دغدغه آنها تبیین مفاهیم بنیادی رشته کتابداری و اطلاع رسانی است. قدردان اساتید بزرگواری هستیم که این همایش را به زینت علم آراسته اند و به تمام دوستانی که گام به گام همراهمان بودند، خسته نباشید می گویم. امید است تلاش های بی دریغ همه دوستان نتیجه بخش باشد.

محمد جواد اشتری

خرداد ۱۳۸۹